



خودزندگی‌نامه‌ها در جامعه‌شناسی

مقاله «خودزندگی‌نامه‌ها در جامعه‌شناسی؛ سنخ‌شناسی اجتماعی خودزندگی‌نامه‌های حوزویان» را مهدی سلیمانیه، سارا شریعتی، محمدرضا جوادی یگانه و مهدی اعتمادی‌فرد نوشته‌اند و در بهار ۱۳۹۸ در فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات منتشر شده است.

خودزندگی‌نامه‌ها در جامعه‌شناسی به‌عنوان داده‌ای مشروع جهت شناخت تحولات جامعه به‌کار می‌روند، اما این رویکرد در جامعه‌شناسی که در دهه‌های انتهایی قرن بیستم با مفهوم «چرخش زندگی‌نامه‌ای» شناخته می‌شود، تاکنون در جامعه‌شناسی ایران انعکاس چندانی نداشته است. در این پژوهش، تلاش شده است تا با بررسی خودزندگی‌نامه‌های حوزوی منتشرشده به زبان فارسی در سال‌های پس از ورود صنعت چاپ به ایران تا سال ۱۳۹۵ شمسی، آورده‌ها و وانهاده‌های این متون استخراج شده و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی، نقاط کانونی تمرکز و حاضران و غایبان این برساخت‌های مدون از زندگی حوزویان مشخص شود. در نهایت با استفاده از این داده‌ها، سنخ‌شناسی جامعه‌شناختی از این خودزندگی‌نامه‌ها ارائه شد. این سنخ‌شناسی می‌تواند گامی دیگر در به‌دست‌آوردن تصویری از چیستی و تحولات نهاد حوزه و کنشگران حوزوی در تاریخ معاصر ایران به دست دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اساتید و پدران و اجداد پدری، حاضران مشترک در بیشتر این خودزندگی‌نامه‌ها هستند. امور ماورایی و خداود، در فرآیندی قابل‌تأمل در خودزندگی‌نامه‌های متقدم به‌لحاظ زمانی، به‌صورت مستقیم در این خودزندگی‌نامه‌ها حضور پررنگی دارند، سپس حضوری غیرمستقیم می‌یابند و در دهه‌های اخیر از روایت کنار گذاشته می‌شوند. این خودزندگی‌نامه‌ها از منظر حضور زنان (به‌عنوان شخصیت‌های حاضر در این برساخته‌ها)، به دودسته «زن گویا» و «زن محذوف» تقسیم می‌شوند. همین دوگانه را در مورد اشاره یا عدم اشاره به متغیرهای اقتصادی زندگی در این خودزندگی‌نامه‌ها می‌توان مشاهده کرد و این متون را به دو دسته «اقتصاد محذوف» و «اقتصاد گویا» تبدیل کرده‌اند.

در جمع‌بندی نهایی، با اتکا به یافته‌های فوق، خودزندگی‌نامه‌های حوزوی به دو سنخ کلی «خودزندگی‌نامه‌های عزلتی» و «خودزندگی‌نامه‌های اجتماعی» تقسیم شده‌اند. خویشتن خودزندگی‌نامه‌ای ارائه‌شده در خودزندگی‌نامه‌های عزلتی، در دایره محدود آموزش، عبادت و خانواده‌ای مردانه محدود می‌ماند و خویشتن هویدا در خودزندگی‌نامه‌های اجتماعی، در پیوند با وقایع اجتماعی و شبکه‌ای گسترده‌تر از کنشگران و وقایع تصویر می‌شود؛ خویشتن حوزوی که تنها «حوزوی» نیست، بلکه وجودی اجتماعی است که حوزوی «نیز» هست.